



استفاده پیامبر(ص) از ظرفیت توحید، نبوت و امامت برای ایجاد وحدت

حجت‌الاسلام عبدالکریم بی‌آزار شیرازی ضمن اشاره به اینکه قرآن و تالیف قلوب دو معجزه پیامبر(ص) بود توضیح داد ایشان برای دستیابی به وحدت از ظرفیت توحید و نبوت و امامت استفاده کردند.

حجت‌الاسلام عبدالکریم بی‌آزار شیرازی ضمن اشاره به اینکه قرآن و تالیف قلوب دو معجزه پیامبر(ص) بود توضیح داد ایشان برای دستیابی به وحدت از ظرفیت توحید و نبوت و امامت استفاده کردند.

حجت‌الاسلام بی‌آزار شیرازی

به گزارش خبرنگار ایکن، همزمان با هفته وحدت و در آستانه میلاد پیامبر گرامی اسلامی، حضرت محمد مصطفی(ص)، وینار گفت‌وگوهای بین مذاهب اسلامی با موضوع «الزامات وحدت اسلامی در جهان معاصر» از سوی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع) و خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) عصر امروز، چهارشنبه ۲۸ مهرماه برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یکی از سخنرانان این همایش بود که متن سخنان او را می‌خوانید.

پیامبر اسلام(ص) دو معجزه توأم با تحدی داشتند، یکی قرآن کریم است که همه می‌دانیم و دیگری ایجاد الفت و تالیف قلوب میان مومنان بود. خداوند بیان می‌دارد که این الفت میان دل‌ها را او ایجاد کرده است و بعد تحدی می‌کند که اگر تمامی آنچه در زمین است را خرج کنید تا این الفت را برقرار کنید، نخواهید توانست. همانطور که تا الآن نتوانستند مانند قرآن بیاورند، نتوانستند تالیف قلوب کنند. ما باید ببینیم پیامبر اسلام چگونه تالیف قلوب کردند تا در زمان معاصر از آن استفاده کنیم. یکی از کارهای ایشان این است که پیامبر(ص) مسئله تالیف قلوب را با مسئله توحید پیوند زدند. توحید آنقدر میان ما کم‌رنگ شده است که فکر می‌کنیم توحید فقط یعنی خدا یکی است، ولی امام فرمودند این یک بعد قضیه است و بعد مهم توحید این است که آنچنان باورمان را به یگانگی خدا بالا ببریم تا احساس کنیم همه بنده خدا هستیم. متأسفانه در عربستان از توحید، بزرگترین اسباب تفرقه را ایجاد کردند و مرتب غیر خودشان را تکفیر می‌کنند.

مسئله دوم پیوند و تالیف قلوب به رسالت پیامبر(ص) است. قرآن می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» وصیت و پیمانی که خدا با همه انبیاء بسته این است که دین را به پا دارید و در آن تفرقه نیفتد. قرآن مرتب بیان می‌دارد فرقه‌گرایی شرک است. متأسفانه ما روز به روز فرقه‌ها را پررنگ‌تر و اسلام را کم‌رنگ‌تر می‌کنیم. دلیل اینکه تاکنون وحدتی بین ما شکل نگرفته، همین است.

نکته دیگر پیوند تالیف قلوب با موضوع امامت است. فلسفه امامت برای ایجاد وحدت است. حضرت فاطمه(س) فرمودند: «و جعل طاعتنا نظاماً للملة وامامتنا اماناً من الفرقة»، یعنی امامت ما برای جلوگیری از افتراق است، ولی برخی همین مسئله امامت را وسیله تفرقه کردند.

بغی و زیاده‌خواهی مانع وحدت

مسئله وحدت و تقریب بیشتر جنبه اخلاقی دارد، به دلیل اینکه قرآن در شش جا فرموده است: «وَأْتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ مِمَّا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ». آیه می‌فرماید علت اختلاف اهل کتاب به خاطر دین اسلام نیست، دین اسلام دین صلح و وحدت است. اینها که به نام دفاع از مذهب این همه اختلاف دارند به خاطر «بغی» است. «بغی» یعنی زیاده‌خواهی. مهمترین کار پیامبر(ص) در درجه اول تزکیه بود و سعی کردند مومنان را از روحیه تکبر و حسادت و افزونخواهی تزکیه کنند، همین رمز موفقیت‌شان بود.

احکام عملی اسلام صورت جمعی دارد؛ مثل نماز جماعت، نماز جمعه، حج که به آن «عباده‌الامه» می‌گویند و یک امت با هم به عرفات می‌روند، به منا می‌روند، متأسفانه ما بسیار در این زمینه تفرقه به کار می‌بریم. گفت‌وگوی مودبانه

در بحث تالیف و وحدت اسلامی چند رویکرد وجود دارد. یکی راه کسانی است که شبانه روز به غیر خودشان فحاشی کنند. مدام یک چیزی از کتاب‌های دیگران پیدا کنند و می‌گویند تمام این فرقه کافر است. تا حالا هم به هیچ چیز نرسیدند، یکی هم این

است که کاری به هم نداشته باشید، عیسی به دین خود، موسی به دین خود. یک راه هم این است که با هم گفت و گو کنیم. امام خمینی(ره) بر این آیه تکیه داشتند: «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُكُمْ یَواحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ أَنْ یَسْأَلَکُمْ» آیه می فرماید قیامان قیام لله باشد، نه برای اظهار برتری. متأسفانه کار فرقه گرایان اثبات خویش با نفی دیگران است.

مسئله دیگر ادب اختلاف است. قرآن به ما می آموزد وقتی گفت و گو می کنید ادب داشته باشید. با این ادب طرف ناراحت نمی شود و روی دنده لجاجت نمی افتد. پیامبر(ص) هیچ وقت نمی گفتند من حق هستم و دیگران باطل اند. مسئله دیگر جدال باللتی هی احسن، است. قرآن در این رابطه می فرماید: «قُلْ لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ». این آیه تکیه کلام آقای تسخیری بود. آیه می فرماید فردای قیامت از جرائم ما از شما نمی پرسند و از اعمال شما از ما سوال نمی شود. دعا به جای دشنام

مورد پنجم به کار بردن فکر است: «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُكُمْ یَواحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ أَنْ یَسْأَلَکُمْ». مورد ششم عدالت در عداوت است. اسلام می گوید حتی در عداوت هم عدالت داشته باشد: «وَلَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَتَآنُ قَوْمٍ عَلَیْ أَآ تَعْدُوا». مسئله بعدی ادب در عداوت است. حضرت امیر(ع) متوجه شدند سپاهیانشان سپاهیان معاویه را سب کردند، ایشان سران سپاه را خواستند و گفتند: «إِنِّیْ أکرَهُ لَکُمْ أَنْ تَکُونُوا سَبَّابِینَ»، سران سپاه گفتند ما با ادب شما، ادب می شویم. مسئله دیگر دعا به جای دشنام است. حضرت امیر(ع) می فرمایند به جای دشنام؛ دشمن را دعا کنید. قرآن صریحاً می فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَیْ إِلَیْکُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا». ما راحت همدیگر را تکفیر می کنیم، همچنان که در طول تاریخ، صفویه اهل سنت را سب و لعن کردند، آنها هم به شدت شیعیان را تکفیر کردند که تا امروز دچار مشکل تفرقه هستیم.